



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری  
سال پنجم، شماره‌ی ۱۷، تابستان ۱۳۹۵  
صفحات ۸۱-۶۵

## بررسی رابطه ورود گردشگران خارجی و میزان وقوع جرم در ایران

مهیار حامی<sup>۱</sup>

مریم تقوی جلودار<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۴

### چکیده

هدف از مقاله پیش رو بررسی رابطه بین ورود گردشگر خارجی و میزان وقوع جرایم مرتبط با گردشگری در ایران با استفاده از داده‌های سالیانه در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. برای رسیدن به اهداف پژوهش، تعداد ورود گردشگران خارجی در هر کیلومتر مربع برای نمایش توان جذب گردشگر و نیز تعداد کل پرونده‌های جرایم سالیانه در حوزه‌های جرایم رانندگی، سرقت و تجاوز به عنف در کشور به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت جهت اندازه‌گیری نرخ جرایم مرتبط با گردشگری به کار گرفته شد و نتایج برآورد مدل پیشنهادی با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری نشان داد که طی دوره مشاهده، جذب گردشگران خارجی اثر مثبت و معناداری بر میزان وقوع جرایم مرتبط با گردشگری در ایران داشته است.  
**واژه‌های کلیدی:** گردشگری، جرم، ایران، الگوی تصحیح خطای برداری.

---

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: دانش‌آموخته مدیریت اجرایی، دانشگاه علوم و فنون مازندران (mahyar.hami@ustmb.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای روانشناسی، دانشگاه الزهرا

## مقدمه

صنعت گردشگری در دهه‌های اخیر به یکی از جذاب‌ترین اهداف سرمایه‌گذاری مبدل گردیده است. طبق تعریف، گردشگری به مجموعه فعالیت‌های فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود مسافرت و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا اقامت می‌کنند و هدف از مسافرت آنان نیز گذراندن اوقات فراغت است، اطلاق شده و کسانی که شامل این تعریف می‌شوند نیز گردشگر نامیده می‌شوند (حیدری چپانه، ۱۳۸۹). مطالعات گوناگونی اثرات مثبت گردشگری بر رشد پایدار اقتصادی (لی<sup>۱</sup> و چنگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸)، کیفیت زندگی (عارف<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱)، توسعه انسانی (جعفری صمیمی و خیره، ۱۳۹۲)، توسعه کارآفرینی (اربابیان و همکاران، ۱۳۹۳) و... را نشان داده‌اند. در بسیاری از کشورها، گردشگری منبع قابل توجهی از درآمد و ارز به شمار می‌آید. بر اساس آمارهای موجود، صنعت گردشگری در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در برخی از کشورهای ناحیه یورو را به خود اختصاص داده است (آلتینداگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). کشور ایران نیز با جذب حدود ۵/۳ میلیون گردشگر بین‌المللی در سال ۲۰۱۳، پس از کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر، رتبه چهارم از لحاظ جذب گردشگر در منطقه خاورمیانه را به خود اختصاص داده است (گزارش سالانه سازمان جهانی گردشگری<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳) که نشان می‌دهد صنعت گردشگری در ایران بیش از سال‌های گذشته مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته است.

از سوی دیگر جرم پدیده‌ای است که همواره توسط رسانه‌ها مطرح بوده و به علت ماهیت آن و تاثیری که بر زندگی افراد می‌گذارد به آسانی توسط آحاد جامعه قابل درک است. ماده دوم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ جرم را اینگونه تعریف می‌کند: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد». وقوع جرایم در جامعه علاوه بر پیامدهای مخرب اجتماعی و فرهنگی بر فعالیت‌های اقتصادی نیز تاثیری منفی دارد. برخی محققان اثر وقوع جرایم در جامعه را به مانند اثر مالیات در اقتصاد توصیف می‌کنند که مانع از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی می‌گردد (دتوتو<sup>۶</sup> و اوترانتو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). به این معنا که ماهیت جرم به گونه‌ای است که می‌تواند باعث کم‌رنگ شدن پیامدهای نیکوکاری و پیوندهای اجتماعی در جامعه گردد.

توسعه گردشگری در هر کشور اغلب پیامدهای مثبتی از قبیل بهبود فضای کسب و کار، توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد اشتغال در بخش‌های عمرانی و خدماتی و توسعه اماکن گردشگری را در پی دارد اما در عین حال می‌تواند تبعاتی منفی مانند: کار اجباری کودکان، از دست دادن هویت‌های

<sup>1</sup> Lee

<sup>2</sup> Chang

<sup>3</sup> Aref

<sup>4</sup> Altindag

<sup>5</sup> World Tourism Organization

<sup>6</sup> Detotto

<sup>7</sup> Otranto

بومی و محلی، وقوع جرایم و... را نیز به همراه داشته باشد (تررو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). مباحث مربوط به جرایم و ایمنی در مقاصد گردشگری، تاثیر مستقیمی بر رفتار و تجارب گردشگران و در نهایت صنعت گردشگری در هر کشور دارد (بنتلی<sup>۲</sup> و پیج<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). از آنجایی که مناطق گردشگری نقاط مستعدی مستعدی برای وقوع انواع جرایم به شمار می‌روند (هارپر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱) حسن شهرت هر کشور در مقابله مقابله با جرایم و تامین امنیت گردشگران، مهم‌ترین پیش‌نیاز برای رشد گردشگری در آن کشور به حساب می‌آید (گلنسن<sup>۵</sup> و پیک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). این در حالی است که بسیاری از مردم در هنگام انتخاب انتخاب مقصد گردشگری خود، توجه لازم را به مسئله جرم و تبعات آن نداشته (برانت<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۰) و ترجیح می‌دهند در ایام سفر به این مسئله فکر نکنند.

بر خلاف کشورهای توسعه یافته که در آن‌ها مطالعات در بررسی رابطه بین گردشگری و وقوع جرایم در حال گسترش است، این رابطه در ایران به روشنی مورد بررسی قرار نگرفته و لزوم انجام مطالعات بیشتر در این زمینه احساس می‌شود. در سازماندهی تحقیق پیش رو، ابتدا به پیشینه پژوهش و مبانی نظری اشاره شده و سپس فرضیه تحقیق به این صورت تعریف می‌شود که «ورود گردشگر خارجی به ایران ارتباط معناداری با نرخ جرایم مرتبط با گردشگری دارد». سپس با استفاده از داده‌های سالیانه در فاصله سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۰ و ارائه‌ی کاربردی از الگوی تصحیح خطای برداری این فرضیه مورد آزمون قرار خواهد گرفت. در ادامه، یافته‌های پژوهش ذکر گردیده و قسمت پایانی مقاله نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص خواهد داشت.

## ادبیات موضوع

### پیشینه تحقیق

صالحی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با به کارگیری روش همبستگی در فاصله سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۵، تاثیر گردشگری بر میزان جرم در استان مازندران را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که در این استان رابطه مستقیم و معناداری بین بی‌سازمانی اجتماعی و تعداد گردشگران، با میزان جرم وجود دارد.

فوجی<sup>۸</sup> و ماک<sup>۹</sup> (۱۹۸۰) با بررسی هاوایی در فاصله سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۵ دریافتند که توسعه گردشگری در این جزایر، اثرات منفی فراوانی در قالب وقوع سرقت و تجاوز به عنف را در پی داشته است.

<sup>1</sup> Terrero

<sup>2</sup> Bentley

<sup>3</sup> Page

<sup>4</sup> Harper

<sup>5</sup> Glenson

<sup>6</sup> Peak

<sup>7</sup> Brunt

<sup>8</sup> Fujii

<sup>9</sup> Mak

آلین<sup>۱</sup> و باکسیل<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در تحقیقی رابطه بین ورود گردشگر و تغییرات در نرخ وقوع جرایم در جامائیکا در فاصله سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۶۲ را مورد بررسی قرار داده و دریافته‌اند که افزایش در نرخ جرایم اثری منفی بر ورود گردشگران داشته است.

نومایر<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای با به کارگیری الگوی پانل، اثر خشونت سیاسی را بر ورود گردشگران بین‌المللی مورد بررسی قرار داده و نشان داد که خشونت‌ها علیه حقوق بشر و دیگر خشونت‌های اعمال شده با زمینه‌های سیاسی اثری منفی بر جذب گردشگر داشته و هم‌چنین بروز اعتراضات مدنی علیه خشونت، جنگ‌های داخلی و فعالیت‌های تروریستی می‌توانند در تغییر رفتار گردشگران بین‌المللی نقشی اساسی را ایفا کنند.

نیکولز<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) اثر جاذبه‌های توریستی بر روند وقوع جرم در ایالت مینه‌سوتای آمریکا در فاصله ۲۰۰۷-۲۰۰۲ را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که زمان و مکان وقوع جرایم در گذشته می‌توانند عامل تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی جرایم در آینده باشد.

فن‌ترن<sup>۵</sup> و بریجز<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) با مطالعه روی ۴۶ کشور اروپایی در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ و استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه، اثر گردشگری بر نرخ وقوع جرایم علیه افراد را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که گردشگری می‌تواند بر کاهش جرایم علیه افراد و در عین حال افزایش جرایم علیه اموال موثر باشد.

بیاجی<sup>۷</sup> و دتوتو<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) به مطالعه اثر جذب گردشگر بر وقوع انواع جرم در ۱۰۳ ناحیه ایتالیا در سال ۲۰۰۵ پرداختند. نتیجه بررسی این محققان نشان داد که اثر گردشگری بر فعالیت‌های مجرمانه در مناطق کوهستانی ضعیف‌تر از اثرات آن در مناطق شهری و با جاذبه‌های هنری است.

بیاجی و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۱۲) با به کارگیری روش گشتاورهای تعمیم یافته به بررسی اثر گردشگری بر جرم در مناطقی از ایتالیا در فاصله سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۳ پرداخته و نشان دادند در مناطق مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری بین گردشگری و وقوع جرم وجود دارد.

کامپانیلو<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۳) با به کارگیری تکنیک پانل نقش رقابت‌های جام جهانی ۱۹۹۰ را در رشد جرایم در ایتالیا مورد بررسی قرار داده و نشان داد میزبانی ایتالیا از این رقابت‌ها منجر به افزایش قابل توجهی در سرقت اموال شخصی افراد گردیده است.

<sup>1</sup> Alleyne

<sup>2</sup> Boxill

<sup>3</sup> Neumayer

<sup>4</sup> Nichols

<sup>5</sup> Van Tran

<sup>6</sup> Bridges

<sup>7</sup> Biagi

<sup>8</sup> Detotto

<sup>9</sup> Biagi

<sup>10</sup> Campaniello

مویو<sup>۱</sup> و زیرامبا<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) با به کارگیری آزمون ARDL اثر وقوع انواع جرایم بر جریان ورود گردشگر به افریقای جنوبی در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳ را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که وقوع جرایمی از قبیل: سرقت از خودرو، خشونت‌های جنسی، قتل و سرقت اثری منفی و بلندمدت بر ورود گردشگر بین‌المللی داشته است.

بیکر<sup>۳</sup> و استاکتون<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) با استفاده از روش همبستگی به مطالعه ارتباط بین گردشگری و الگوهای وقوع جرم در دو شهر گردشگری هونولولو و لاس وگاس آمریکا در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ پرداختند. این محققان طی بررسی خود، بین تعداد ورود گردشگران و میزان جرایم در هونولولو همبستگی منفی و در لاس وگاس همبستگی مثبتی را گزارش نموده‌اند.

براون<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) با ارائه یک الگوی نظری اثر پوشش منفی رسانه‌ای بر رابطه بین گردشگری و جرم و نیز تقاضا برای گردشگری را در منطقه خودمختار آروبا واقع در دریای کارائیب مورد بررسی قرار داده و نشان داد که رابطه‌ای منفی و معنادار بین پوشش منفی رسانه‌ای در خصوص امنیت گردشگران در این منطقه و میزان ورود گردشگر به آن وجود دارد.

امیر<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۵) با طراحی یک پرسشنامه به بررسی پایداری محیط‌های گردشگری در کوالالامپور (مالزی) و ارزیابی احساس ایمنی و امنیت گردشگران زن خارجی در این مناطق پرداختند. نتایج بررسی این محققان نشان داد که مصاحبه‌شوندگان در این مناطق، در طول روز بیش از ساعات شب احساس امنیت می‌کنند و ادراک گردشگران از ایمنی در این مناطق تأثیر عمده‌ای بر صنعت گردشگری در این کشور داشته است.

نگاهی به مطالعات نظری و تجربی یادشده نشان می‌دهد که عموماً رابطه مستقیمی بین ورود گردشگران خارجی و وقوع جرایمی از قبیل: سرقت، تجاوز به عنف و... در مناطق گردشگری گزارش شده است و از دیدگاه نظری این انتظار می‌رود که با بالا رفتن تعداد جذب گردشگر نرخ جرایم گزارش شده به مراجع قانونی نیز افزایش یابد.

## مبانی نظری

مناطق گردشگری از دیرباز هدف وقوع جرایم و انواع خشونت بوده (شیبلر<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۹۶) و بررسی اثرات منفی وقوع جرم بر اقتصاد مقاصد گردشگری (اندرز<sup>۸</sup> و همکاران، ۱۹۹۲) و نیز تقاضا تقاضا برای ورود گردشگر (پیزام<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹) اغلب مورد توجه محققین قرار گرفته است. بر اساس

<sup>۱</sup> Moyo

<sup>۲</sup> Ziramba

<sup>۳</sup> Baker

<sup>۴</sup> Stockton

<sup>۵</sup> Brown

<sup>۶</sup> Amir

<sup>۷</sup> Schiebler

<sup>۸</sup> Enders

<sup>۹</sup> Pizam

ویت<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) اثرات صنعت گردشگری بر جوامع فراتر از تاثیر آن بر تعداد جذب گردشگر داخلی و بین المللی است. در حقیقت تنوع کالاها، خدمات، ارزش افزوده و حتی جناح‌های سیاسی درگیر با صنعت گردشگری به گونه‌های است که سنجش دقیق اثرات اقتصادی-اجتماعی آن را با دشواری روبه‌رو کرده است. با وجود آن که نظریه‌ها و تحقیقات محدودی در تشریح ارتباط میان جذب گردشگر و وقوع جرم در دسترس است، توجه این ارتباط از چند نظر قابل تصور است. دیدگاه اول بر تاثیر منفی جرایم بر تقاضا برای ورود گردشگر و اقتصاد مقاصد گردشگری استوار است و دیدگاه دوم اثر گردشگری بر میزان جرایم را مدنظر قرار می‌دهد (کراچ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). یکی دیگر از این دیدگاه‌ها رفتارهای مجرمانه را فعالیتی عادی برای مجرمان به حساب می‌آورد و به کارگیری هرچه بیشتر ماموران اجرای قانون را کلید به حداقل رساندن وقوع جرایم در مناطق گردشگری می‌داند (شیبلر و همکاران، ۱۹۹۶). دیدگاه دیگر نیز به نقش مکان‌هایی که در آن‌ها امکان وقوع جرم بیشتر است، توجه دارد (کراتس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). رایان<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) در توجیه رابطه بین گردشگری و وقوع جرایم، پنج فرضیه را به این ترتیب طبقه بندی کرده است: ۱- گردشگران قربانیان تصادفی جرایم هستند و حضور گردشگر عامل رشد جرایم در مناطق گردشگری نیست ۲- فعالیت‌های مجرمانه به علت ماهیت اماکن گردشگری است و ساکنین بومی و گردشگران هر دو از قربانیان جرایم هستند ۳- به این دلیل که گردشگران اغلب قربانیان آسان تری هستند، حضور گردشگر عامل رشد جرایم است ۴- شدت و نوع جرایم در مناطق گردشگری با نوع تقاضای کالاها و خدمات گردشگران رابطه مستقیمی دارد ۵- به دلایل مذهبی و سیاسی، گردشگران و اماکن گردشگری اغلب اهداف مشخصی برای فعالیت‌های تروریستی به شمار می‌آیند.

گردشگری یک فعالیت انسانی است که نسبت به جرم حساس بوده و به طور متناوب نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد (انکاسی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). ماهیت جرم خیز مناطق گردشگری، جذب تعداد زیادی از افراد شامل مجرمان و قربانیان و نیز ترغیب افراد به انجام فعالیت‌ها و رفتارهای خشونت آمیز و ضداجتماعی از علل نرخ بالای جرایم در مناطق گردشگری به شمار می‌آیند (برانتینگهام<sup>۶</sup> و برانتینگهام، ۱۹۹۵). سهولت دسترسی به تفریحات در مناطق گردشگری نیز می‌تواند از دلایل همبستگی ورود گردشگر و رشد جرایم باشد، زیرا که برخی تفریحات گاهی به عنوان راهی برای تخلیه روحی خشونت آمیز و خصمانه به کار می‌روند (کراس<sup>۷</sup>، ۱۹۷۱). در همین رابطه پریدوکس<sup>۸</sup> (۱۹۹۶) عنوان می‌دارد که توسعه یک محل گردشگری به عنوان مقصدی برای تفریحات با

<sup>1</sup> Witt

<sup>2</sup> Crouch

<sup>3</sup> Crofts

<sup>4</sup> Ryan

<sup>5</sup> Nkosi

<sup>6</sup> Brantingham

<sup>7</sup> Kraus

<sup>8</sup> Prideaux

زمینه‌های خشونت آمیز می‌تواند منجر به افزایش نرخ جرایم گردد و پیزام<sup>۱</sup> و منسفیلد<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) نیز نیز عقیده دارند که توسعه گردشگری اغلب با افزایش انواع مختلفی از جرایم در ارتباط است.

اما چگونه حضور گردشگران میزان جرایم را افزایش می‌دهد؟ فوجی و ماک (۱۹۸۰) در این رابطه دلایلی چون حمل اشیاء گرانبها و پول توسط گردشگران، برنامه ریزی نامناسب موسسات گردشگری و تغییر محیط بومی در اثر حضور گردشگران را مطرح نموده‌اند. برخی دیگر از محققان با بررسی معایب توسعه گردشگری در سطح محلی، به ناتوانی سیستم حمل و نقل در مقابله با هجوم فصلی جمعیت و هم‌چنین ناتوانی خدمات عمومی از جمله خدمات نیروی پلیس برای مقابله با فشارهای مقطعی افزایش جمعیت در هنگام هجوم گردشگران اشاره داشته‌اند (مورفی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). به همین دلیل دور از انتظار نیست چنین مناطقی به علت خدمات ضعیف نیروی پلیس، گردش مالی زیاد و حجم بالای مسافر به صورت بالقوه مناطق بهتری برای اعمال مجرمانه و پنهان ماندن از دید ماموران قانون باشند. نتایج برخی از مطالعات تجربی انجام شده نیز بر همین موضوع دلالت دارند (برای مثال رجوع شود به فوجی و ماک، ۱۹۸۰). دیدگاهی دیگر به نقش نهادهای اجتماعی در کاهش نرخ وقوع جرایم اشاره دارد. بر اساس این دیدگاه، جوامعی که در آن‌ها نهادهایی مانند سازمان‌های گردشگری و آژانس‌های مسافرتی همگام با نیروی پلیس بخشی از مسئولیت برقراری نظم و هنجارهای اجتماعی را بر دوش می‌کشند، در درازمدت نرخ پایین تری از وقوع جرایم مرتبط با گردشگری را تجربه می‌کنند (مزنر<sup>۴</sup> و روزنفیلد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). زیرا این نهادها می‌توانند از طریق خلق خلق فرصت‌های شغلی و تقویت نیروی پلیس از مناطق گردشگری محافظت بیشتری به عمل آورند.

شواهد دیگر حاکی از آن است که الگوهای وقوع جرم در جامعه اغلب مرتبط با ماهیت گردشگری، وسعت مناطق هدف، فصول هجوم گردشگر و تنوع فرهنگ و رفتارهای گردشگران است (اوجونگ<sup>۶</sup> و بسی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). برخی مطالعات دیگر نیز همبستگی مثبتی بین گردشگری و جرایم مربوط به رانندگی (گومز<sup>۸</sup>، ۱۹۷۲) و سرقت از اماکن مسکونی (استنگلند<sup>۹</sup>، ۱۹۹۸) را گزارش نموده‌اند. هم‌چنین انواع مختلفی از جرایم جنایی از قبیل حملات فردی، تجاوز به عنف و قتل علیه گردشگران خارجی وجود دارد که وقوع هر یک از آن‌ها می‌تواند اثری منفی در نگرش افکار عمومی را در پی داشته باشد. اگرچه نرخ وقوع چنین رویدادهایی اغلب بسیار پایین‌تر از جرائمی نظیر کیف

<sup>1</sup> Pizam

<sup>2</sup> Mansfield

<sup>3</sup> Murphy

<sup>4</sup> Messner

<sup>5</sup> Rosenfield

<sup>6</sup> Ojong

<sup>7</sup> Bassey

<sup>8</sup> Gomez

<sup>9</sup> Stangeland

قاپی و سرقت است، اما پوشش رسانه ای در رابطه با این جرایم به گونه‌ای است که موجب می‌شود بیش از جرایم دیگر مورد در کانون توجه افکار عمومی قرار گیرند (آلن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

از آنجا که گردشگران با ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی متنوع، به دنبال تفریحات با زمینه‌های مختلف در مقاصد گردشگری‌اند (جادرسیچ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰)، می‌توان گفت که زمینه‌های فرهنگی گردشگران نیز در وقوع جرم موثر است. شواهدی از این دست نشان می‌دهند که گردشگران بیشتر از ساکنین بومی در مقابل جرایم آسیب پذیر هستند (پیرس<sup>۳</sup>، ۱۹۸۲). امنیت مناطق گردشگری، عامل مهم دیگری است که تقاضا برای گردشگری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هم‌چنین تروریسم، جنگ و یا فعالیت‌های مجرمانه عوامل تعیین کننده‌ای در انتخاب مقاصد گردشگری افراد به شمار می‌آید. در مجموع محققین اتفاق نظر دارند که بالا رفتن خطر وقوع جرایم علیه گردشگران در یک مقصد گردشگری، اثری منفی بر حسن شهرت آن منطقه داشته و موجب کاهش تقاضا برای ورود به آن منطقه می‌شود (کوزاک<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). با عنایت به مبانی ذکر شده می‌توان انتظار داشت کشورها با نرخ بالاتری از جرایم، حجم کمتری از گردشگرهای خارجی را جذب کند.

## روش شناسی تحقیق

### فرضیه تحقیق

ورود گردشگر خارجی به ایران ارتباط معناداری با نرخ جرایم مرتبط با گردشگری دارد.

## شاخص گردشگری

شاخص‌های نمایش توان گردشگری عموماً بر تعداد ورود گردشگر خارجی به هر کشور تکیه دارند. به عنوان مثال و از میان مطالعات انجام شده، بورن<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) از تعداد کل گردشگران سالانه، بیاجی و همکاران (۲۰۱۲) از تعداد ورود گردشگران خارجی در هر کیلومتر مربع و آلتینداگ (۲۰۱۴) از تعداد کل گردشگران خارجی به ازای هر ۱۰ نفر جمعیت بومی به عنوان شاخص‌های جذب گردشگر استفاده نموده‌اند.

در این پژوهش به پیروی از بیاجی و همکاران (۲۰۱۲) تعداد ورود گردشگران خارجی به ایران در هر کیلومتر مربع به عنوان شاخص جذب گردشگر به کار گرفته شده است. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه این شاخص، از داده‌های سالیانه بانک جهانی طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۱ استخراج گردید.

<sup>1</sup> Allen

<sup>2</sup> Jadrešić

<sup>3</sup> Pearce

<sup>4</sup> Kozak

<sup>5</sup> Bourne



## شاخص جرایم

وقوع جرم در هر جامعه همانند انواع دیگر مفاهیم اجتماعی، مفهومی چندمولفه‌ای است که بسته به ماهیت بررسی، شاخص‌های گوناگونی می‌توانند جهت سنجش آن به کار روند. اندازه‌گیری میزان جرم با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. مهم‌ترین این چالش‌ها آن است که آمارهای موجود در رابطه با جرایم رخ داده، شامل جرایمی است که به مراجع قانونی گزارش می‌شوند و جرایم گزارش نشده را در برنمی‌گیرند (برتلس<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸). همین مسئله امکان در نظر گرفتن تمام جرایم رخ داده به طور کامل را از بین می‌برد. به طور کلی دو دسته شاخص آماری برای اندازه‌گیری جرم رواج دارد. اولین دسته، تعداد کل جرایم در یک منطقه و در بازه‌ی زمانی خاص را مدنظر قرار می‌دهد و دومین دسته، تعداد وقوع جرم به نسبت جمعیت جامعه‌ی مورد بررسی است که اغلب به ازای تعداد جمعیت بیان می‌شود (والملزی<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۸۱). استفاده از شاخص‌های آماری که بر مبنای اعداد مطلق استوار است، امکان مقایسه بین دو جامعه آماری مختلف را از بین می‌برد و لذا استفاده از دسته دوم از شاخص‌ها برای مطالعات تجربی مناسب‌تر است. نگاهی به تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که اندازه‌گیری جرم عموماً با به کارگیری سوابق دستگیری‌ها، تعداد تخلفات ثبت شده و یا اطلاعات مربوط به قربانیان جرایم انجام می‌گیرد (بارکر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۲)، به طوری که تعداد کل جرایم سالانه (بورن، ۲۰۱۰) و تعداد کل جرایم به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (بیاجی و دتوتو، ۲۰۱۰؛ بیاجی و همکاران، ۲۰۱۲؛ آلتینداگ، ۲۰۱۴) دو شاخص متداول برای اندازه‌گیری جرایم می‌باشند.

نگاهی به شواهد تجربی و نظریات موجود نشان می‌دهد که جرایم رانندگی (گومز، ۱۹۷۲)، تجاوز به عنف (فوجی و ماک، ۱۹۸۰) و سرقت (استنگلند، ۱۹۹۸) بیشترین سهم جرایم مرتبط با گردشگری را به خود اختصاص داده‌اند و لذا در مطالعه پیش رو تعداد کل پرونده‌های جرایم سالیانه در این حوزه‌ها به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در کشور، به عنوان شاخص نرخ جرایم به کار گرفته شده است. داده‌های سالیانه مورد نیاز برای اندازه‌گیری این شاخص، از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۱ استخراج گردید.

## الگوی پیشنهادی

در این مطالعه با استفاده از داده‌های سالیانه در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۱، الگوی تصحیح خطای برداری<sup>۴</sup> برای برآورد الگوی پیشنهادی به کار گرفته شده است. الگوی تصحیح خطای برداری که بر مبنای وجود هم‌جمعی بین متغیرهای اقتصادی به وجود آمده است، امکان بررسی روابط

<sup>۱</sup> Birtles

<sup>۲</sup> Walmsley

<sup>۳</sup> Barker

<sup>۴</sup> Vector Error Correction Model

بلندمدت میان متغیرهای درونزا را به وجود آورده و نیز رفتار کوتاه مدت متغیرها را به مقادیر بلندمدت آن‌ها مرتبط می‌سازد. استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری در بررسی روابط بین متغیرهای اقتصادی، ضعف‌های آزمون‌های سنتی اقتصادسنجی در صورت عدم پایایی سری‌های زمانی را برطرف می‌سازد (یحیی زاده فر و همکاران، ۱۳۹۳). در الگوی کلی به کار رفته، فرض بر این است که مقدار متغیر وابسته می‌تواند به صورت تابعی از مقادیر گذشته خود متغیر وابسته، مقادیر گذشته متغیر مستقل و مقدار خطا طبق رابطه زیر تعریف شود:

$$C = f ( C_{(-1)}, C_{(-2)}, \dots, C_{(-n)}, T_{(-1)}, T_{(-2)}, \dots, T_{(-n)}, e ) \quad (1)$$

استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری در مطالعات تجربی مستلزم تعیین تعداد وقفه‌های بهینه، بررسی پایایی سریهای مورد بررسی و همچنین اطمینان از وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها است. بنابراین با استفاده از آماره‌ی شوارز<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) تابع فوق با در نظر گرفتن دو وقفه بهینه به صورت زیر خلاصه شد:

$$C = \alpha_1 C_{(-1)} + \alpha_2 C_{(-2)} + \alpha_3 T_{(-1)} + \alpha_4 T_{(-2)} + \alpha_5 e + c \quad (2)$$

معرفی متغیرهای به کار رفته در الگو:

$C$ : شاخص وقوع جرم که مقدار آن در هر مشاهده برابر است با تعداد کل پرونده‌های جرایم سالیانه

در حوزه‌های جرایم رانندگی، سرقت و تجاوز به عنف در کشور به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت

$C_{(-1)}$  و  $C_{(-2)}$ : مقادیر با وقفه شاخص وقوع جرم

$T$ : شاخص گردشگری که مقدار آن در هر مشاهده برابر است با تعداد ورود گردشگران خارجی به ایران در هر کیلومتر مربع

$T_{(-1)}$  و  $T_{(-2)}$ : مقادیر با وقفه شاخص گردشگری

$\alpha_i$ : ضرایب مجهول  $i = \{1, 2, 3, 4, 5\}$

$e$ : مقدار خطا  
 $c$ : مقدار ثابت (عرض از مبدا)

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری برای مطالعات تجربی مبتنی بر فرض پایایی متغیرها است. به همین دلیل قبل از استفاده از روش‌های برآورد الگو باید اطمینان حاصل کرد که کلیه

<sup>1</sup> Schwarz

متغیرهای مورد استفاده از یک مرتبه پایا هستند که در این بررسی به کمک نرم افزار Eviews6، آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون<sup>۱</sup> برای تعیین پایایی متغیرها در سطح به کار گرفته شد.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون در سطح

متغیر	آماره t فیلیپس-پرون	مقدار بحرانی مک کینون در سطح		
		۱ درصد	۵ درصد	۱۰ درصد
T	۲/۱۲	-۴/۳۴	-۳/۵۹	-۳/۲۳
C	۱۲/۳۳	-۴/۳۴	-۳/۵۹	-۳/۲۳

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

مطابق جدول ۱، متغیر T در سطح ناپایا می‌باشد و به همین دلیل آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون جهت تعیین پایایی متغیرها در تفاضل مرتبه اول انجام گرفت که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون در تفاضل مرتبه اول

متغیر	آماره t فیلیپس-پرون	مقدار بحرانی مک کینون در سطح		
		۱ درصد	۵ درصد	۱۰ درصد
D(T)	-۳/۶۶	-۴/۳۶	-۳/۶۰	-۳/۲۳
D(C)	-۷/۲۴	-۴/۳۶	-۳/۶۰	-۳/۲۳

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

مطابق جدول ۲، قدر مطلق آماره t فیلیپس-پرون برای هر دو متغیر بزرگتر از قدر مطلق مقدار بحرانی مک کینون<sup>۲</sup> در سطح ۵ درصد می‌باشد. بنابراین هر دو متغیر در تفاضل مرتبه اول پایا بوده و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ریشه واحد در سری‌های مورد بررسی رد می‌شود. پایایی متغیرها در یک سطح می‌تواند حاکی از وجود یک رابطه بلندمدت معنادار میان آن‌ها باشد (حامی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). گام دوم در برآورد الگوی پیشنهادی، اطمینان از وجود رابطه بلندمدت معنادار میان متغیرها است. بررسی و برآورد رابطه هم‌جمعی و تعادل از روش‌های مختلفی چون انگل<sup>۴</sup> و گرنجر<sup>۵</sup> (۱۹۸۷)، استاک<sup>۶</sup> و واتسون<sup>۷</sup> (۱۹۸۸) و جوهانسن<sup>۸</sup> (۱۹۸۸) امکان‌پذیر است که از این میان آزمون هم‌جمعی

<sup>۱</sup> Phillips-Perron Unit Root Test

<sup>۲</sup> MacKinnon Critical Value

<sup>۳</sup> Hami

<sup>۴</sup> Engle

<sup>۵</sup> Granger

<sup>۶</sup> Stock

<sup>۷</sup> Watson

<sup>۸</sup> Johansen

جوهانسن<sup>۱</sup> یکی از آزمون‌های رایج جهت بررسی رابطه بلندمدت میان داده‌های سری زمانی است. برآورد دو روش اول بر اساس پیش فرض وجود تنها یک بردار هم‌جمعی است و در شرایطی که بیش از یک بردار هم‌جمعی وجود داشته باشد استفاده از این روش‌ها مناسب نیست (گونزالو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴: ۲۳۳-۲۰۳). به همین منظور در این مطالعه جهت اطمینان از وجود هم‌جمعی میان متغیرها از آزمون هم‌جمعی جوهانسن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج آزمون هم‌جمعی جوهانسن بر روی متغیرها

احتمال آماره	مقدار بحرانی در سطح ۱ درصد	آماره t جوهانسن
۰/۰۱	۱۸/۶۶	۳۵/۳۳

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

مطابق جدول ۳، آماره t جوهانسن بزرگ‌تر از مقدار بحرانی در سطح ۱ درصد می‌باشد و فرضیه یک مبنی بر وجود هم‌جمعی و رابطه بلندمدت میان متغیرها با اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌گردد. تایید فرضیه یک در آزمون هم‌جمعی جوهانسن بیانگر آن است که حداقل یک رابطه تعادلی بلندمدت و یک بردار هم‌جمعی بین تعداد ورود گردشگران خارجی به ایران و نرخ وقوع جرایم وجود دارد که همین مسئله زمینه را جهت استفاده از روش‌های تخمین ضرایب فراهم می‌سازد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در این مقاله الگوی تصحیح خطای برداری برای برآورد الگو به کار گرفته شده است. الگوی تصحیح خطای برداری در پژوهش‌های تجربی کاربردهای وسیعی دارد و به کمک آن نوسانات کوتاه مدت متغیرها به مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط داده می‌شود. به‌طور کلی بر اساس این الگو، تغییرات متغیر وابسته تابعی از خطای دوره قبل از حالت تعادل (عبارت تصحیح خطا) و هم‌چنین مقادیر با وقفه متغیر در سایر متغیرهای الگو، از جمله خود متغیر وابسته است. لازم به ذکر است در این تحقیق جهت برآورد الگوی پیشنهادی به کمک الگوی تصحیح خطای برداری، از نرم افزار Eviews6 استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ قابل مشاهده است.

<sup>1</sup> Johansen Cointegration Test

<sup>2</sup> Gonzalo

جدول ۴: نتایج تخمین ضرایب به کمک الگوی تصحیح خطای برداری

ضریب	مقدار ضریب	خطای استاندارد	احتمال معناداری	آماره t
$\alpha_1$	۱/۹۹	۱/۱۳	۰	۱/۸۰
$\alpha_2$	۲/۱۲	۰/۹۷	۳	۲/۲۲
$\alpha_3$	۰/۱۶	۰/۰۶	۹۴	۲/۲۱
$\alpha_4$	۰/۰۳	۰/۰۴	۹۶	۲/۳۷
$\alpha_5$	-۰/۰۶	۰/۰۳	۹۷	-۲/۲۱
C	-۱/۷۱	۰/۴۵	۵۵	-۲/۴۸

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

بر اساس نتایج این برآورد، الگوی کلی یاد شده به صورت زیر قابل ارائه است:

$$D(C) = 1.99D(C_{(-1)}) + 2.12D(C_{(-2)}) + 0.16D(T_{(-1)}) + 0.03D(T_{(-2)}) - 0.06e - 1.71$$

#### نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین ورود گردشگر خارجی و میزان وقوع جرایم مرتبط با گردشگری در ایران می‌باشد. برای این منظور، شاخص‌های اندازه‌گیری متغیرها معرفی و سپس الگوی پیشنهادی تشریح گردید. آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون بر روی متغیرها نشان داد که سری‌های زمانی متغیرهای به کار رفته دارای ریشه واحد بوده و در تفاضل مرتبه اول پایا می‌باشند. بر اساس یافته‌های آزمون هم‌جمعی جوهانسن (مطابق جدول ۳)، وجود حداقل یک رابطه بلندمدت معنادار و حداقل یک بردار هم‌جمعی بین میزان ورود گردشگر و جرایم در سطح ۱ درصد تایید گردید. نتایج برآورد الگوی پیشنهادی با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری نشان می‌دهد، ضریب  $\alpha_5 = -0.06$  که به ضریب تصحیح خطا معروف است، با علامت منفی در الگو ظاهر شده و معناداری آن در سطح ۳ درصد تایید می‌گردد. علامت منفی و معنادار ضریب تصحیح خطا بیانگر میل به تعادل بلندمدت میان متغیرهای تحقیق بوده و بیانگر آن است که در هر دوره ۶ درصد از عدم تعادل کوتاه مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود. هم‌چنین معناداری ضرایب  $\alpha_3 = 0.16$  و  $\alpha_4 = 0.01$  که اثر ورود گردشگران خارجی بر میزان جرایم را نشان می‌دهند به ترتیب در سطح ۶ درصد و ۴ درصد تایید می‌گردد. این یافته بیانگر آن است که طی دوره مشاهده رابطه معناداری بین ورود گردشگر خارجی به ایران و میزان وقوع جرایم مرتبط با گردشگری (در حوزه‌های تخلفات رانندگی، تجاوز به عنف و سرقت) وجود داشته، به طوری که ۱ درصد افزایش در ورود گردشگر خارجی به ایران موجب ۰/۱۶ درصد افزایش در نرخ جرایم در یک دوره بعد و ۰/۰۳ درصد افزایش در نرخ جرایم در دو دوره بعد گشته است. با مقایسه نتایج این تحقیق با

مطالعات پیشین می‌توان دریافت که نتایج این بررسی با یافته‌های مطالعات فوجی و ماک (۱۹۸۰) در خصوص اثرات منفی توسعه گردشگری بر وقوع جرم در هاوایی و همکاران، (۲۰۰۳) در اثرات منفی جرایم بر ورود گردشگر به جامائیکا، فن ترن و بریجز (۲۰۰۹) در اثر مستقیم گردشگری بر وقوع جرایم علیه اموال در اروپا و نیز بیاجی و همکاران (۲۰۱۲) در خصوص اثر منفی گردشگری بر جرم در مناطقی از ایتالیا سازگاری و هم‌خوانی دارد. تامل در یافته‌های این بررسی هم‌چنین نشان می‌دهد که طی یک وقفه زمانی، جذب گردشگر خارجی اثر نسبتاً قابل ملاحظه‌ای بر افزایش جرایم مرتبط با گردشگری در ایران داشته است که این مسئله می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله: تغییر ساختار بومی جمعیت در مناطق گردشگری، برنامه‌ریزی و عملکرد نامناسب موسسات ارائه دهنده خدمات گردشگری، ماهیت جرم خیز مناطق گردشگری و نیز ضعف خدمات نیروهای پلیس در بازه‌های زمانی هجوم گردشگران خارجی به کشور باشد. لذا به عقیده نویسندگان، نظارت بیشتر بر عملکرد موسسات ارائه دهنده خدمات گردشگری و نیز تقویت نیروهای نظارتی و انتظامی در مناطقی که به‌طور بالقوه مستعد جذب گردشگر خارجی به شمار می‌روند می‌تواند در کاهش اثرات منفی جذب گردشگران خارجی در ایران تاثیرگذار باشد.

## منابع

۱. اربابیان، شیرین؛ زمانی، زهرا و رحیمی، معصومه (۱۳۹۳). بررسی اثر گردشگری در توسعه‌ی کارآفرینی، **مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری**، سال ۳، شماره ۱۰: ۱۴۶-۱۲۶.
۲. جعفری صمیمی، احمد و خبره، شیما (۱۳۹۲). اثر گردشگری بر توسعه‌ی انسانی، **مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری**، سال ۲، شماره ۷: ۲۴-۱۱.
۳. حیدری چپانه، رحیم (۱۳۸۹). **مبانی برنامه‌ریزی صنعت گردشگری**، تهران: انتشارات سمت.
۴. صالحی، صادق؛ میرمحمدتبار، سیداحمد و سهرابی، مریم (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر گردشگری بر میزان جرم در استان مازندران، **دانش انتظامی**، سال ۱۶، شماره ۴: ۱۰۲-۸۱.
۵. یحیی زاده فر، محمود؛ طهرانچیان، امیرمنصور و حامی، مهیار (۱۳۹۳). سرمایه اجتماعی و توسعه مالی در ایران، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، سال ۴، شماره ۱۶: ۷۳-۸۸.
6. Allen, J. (1999). Crime against international tourists, **Contemporary Issues in Crime and Justice**, No.43:1-8.
7. Alleyne, D., & Boxill, I. (2003). The impact of crime on tourist arrivals in Jamaica, **International Journal of Tourism Research**, 5(5):381-391.
8. Altindag, D. (2014). Crime and international tourism, **Journal of Labor Research**, 35(1):1-14.
9. Amir, A.F., Ismail, M.N.I. and See, T.P. (2015). Sustainable tourist environment: Perception of international women travelers on safety and security in Kuala Lumpur, **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, No.168:123-133.
10. Aref, F. (2011). The effects of tourism on quality of life: A case study of Shiraz, Iran, **Life Science Journal**, 8(2):26-30.
11. Barker, M., Page, S.J. and Meyer, D. (2002). Modeling tourism crime the 2000 America's Cup, **Annals of Tourism Research**, 29(3):762-782.
12. Baker, D. and Stockton, S. (2014). Tourism and crime in America: A preliminary assessment of the relationship between the number of tourists and crime, two major American tourist cities, **International Journal of Safety and Security in Tourism**, No. 5: 1-25.
13. Bentley, T. and S. Page. (2001). Scoping the extent of tourist accidents, **Annals of Tourism Research**, No. 28: 705-726.
14. Biagi, B. and Detotto, C. (2010). Crime as tourism externality, **CRENOS Working Paper**, 2010(15):1-30.
15. Biagi, B., Barndano, M. and Detotto, C. (2012). The effect of tourism on crime in Italy: A dynamic panel approach, **Economics Discussion Papers**, 2012(4):1-26.
16. Birtles, T. (1978). Criminal victimization - a new research theme in social geography, **15th Annual Conference of the Institute of Australian Geographers**, Townsville.
17. Bourne, P. (2010). Crime, tourism and trust in a developing country, **Current Research Journal of Social Sciences**, 2(2): 69-83.
18. Brantingham, P.L. and Brantingham, P.J. (1995). Criminality of place: Crime generators and crime attractors, **European Journal on Criminal Policy and Research**, No.3: 5-26.
19. Brown, C.B. (2015). Tourism, crime and risk perception: An examination of broadcast media's framing of negative Aruban sentiment in the Natalee Holloway case

- and its impact on tourism demand, **Tourism Management Perspectives**, No. 16: 266-277.
20. Brunt, P., Mawby, R. and Hambly, Z. (2000). Tourist victimisation and the fear of crime on holiday, **Tourism Management**, 21(4): 417-424.
21. Campaniello, N. (2013). Mega events in sports and crime evidence from the 1990 football world cup, **Journal of Sports Economics**, 14(2):148-170.
22. Crotts, J. (1996). Theoretical perspectives on tourist criminal victimization, **The Journal of Tourism Studies**, 7(1): 2-9.
23. Crouch, G.I. (1994). The study of international tourism demand, **Journal of Travel Research**, No. 32: 41-55.
24. Detotto, C. and Otranto, E. (2010). Does crime affect economic growth?, **KYKLOS**, 63(3): 330-345.
25. Enders, W., T. Sandler and Parise, G.F. (1992). An econometric analysis of the impact of terrorism on tourism, **Kyklos**, No. 45: 531-54.
26. Engle, R. and Granger, C. (1987). Co-integration and Error Correction: Representation, Estimation, and Testing, **Econometrica**, 55(2): 251-276.
27. Fujii, E.T. and Mak, J. (1980). Tourism and crime: Implications for regional development policy, **Regional Studies**, No. 14: 27-36.
28. Glenson, R. and Peak, K. (2004). **Crimes Against Tourists**, Retrieved November 1, 2003, from: <http://www.cops.usdoj.gov/mime/open.pdf?Item=1306>
29. Gomez, S. (1972). Motor vehicle thefts in Spain in 1969 (Part I), **International Criminal Police Review**, No. 27: 94-101.
30. Gonzalo, J. (1994). Five alternative methods of estimating long-run equilibrium relationships, **Journal of Econometrics**, 60(1-2): 203-233.
31. Hami, M. (2014). Inflation and openness: Empirical evidences from Iran (1965-2010), **Studies in Business and Economics**, 9(2): 27-32.
32. Harper, D.W. (2001). Comparing tourists' crime victimization, **Annals of Tourism Research**, 28(4):1053-1056.
33. Jadrešić, V. (2010). **Janus' Face of Tourism**, Zagreb: Plejada.
34. Johansen, S. (1988). Statistical analysis of co-integration vectors, **Journal of Economic Dynamics and Control**, 12(2-3): 231-254.
35. Kozak, M., Drotts, J. and Law, R. (2007). The Impact of the perception of risk on international travellers, **Journal of Tourism**, No. 9: 233-242.
36. Kraus, R. (1971). **Recreation and Leisure in Modern Society**, Pacific Palisades: Goodyear Publishing.
37. Lee, C. and Chang, C. (2008). Tourism development and economic growth: A closer look at Panels, **Tourism Management**, No. 29: 180-192.
38. Messner, S. and Rosenfield, R. (2001). **Crime and American Dream**, Belmont, CA: Wadsworth.
39. Moyo, B. and Ziramba, E. (2013). The impact of crime on inbound tourism to South Africa: An application of the bounds test, **African Security Review**, 22(1): 4-18.
40. Murphy, P.E. (2013). **Tourism: A Community Approach (RLE Tourism)**, Routledge.
41. Neumayer, E. (2004). The impact of political violence on tourism dynamic cross-national estimation, **Journal of Conflict Resolution**, 48(2): 259-281.
42. Nichols, J. (2008). The Effect of tourist attractions on crime trends in the growing community of Shakopee, Minnesota, **Papers in Resource Analysis**, No. 10: 1-12.
43. Nkosi, GS. (2010). The impact of crime on tourism in the city of uMhlatuze, KwaZulu-Natal, **South Asian Journal of Tourism and Heritage Studies**, 3(2): 76-81.



44. Pearce, P. (1982). **The Social Psychology of Tourist Behaviour**, Pergamon Press; Oxford.
45. Pizam, A. (1999). A comprehensive approach to classifying acts of crime and violence at tourism destinations, **Journal of Travel Research**, No. 38: 5-12.
46. Pizam, A. and Mansfield, Y. (1996). **Tourism, Crime and International Security Issues**, Chichester, John Wiley & Sons.
47. Prideaux, B. (1996). Mass tourism and crime: Is there a connection? A study of crime in major Queensland tourism destinations, **Tourism Research and Education Conference, Queensland: Bureau of Tourism Research**, PP: 251-260.
48. Ryan, C. (1993). Crime, violence, terrorism and tourism, **Tourism Management**, No. 14: 173-183.
49. Schiebler, S.A., Crotts, J.C. and Hollinger, R.C. (1996). Florida tourists' vulnerability to crime, In **Tourism, Crime and International Security Issues**, PP.: 37-50.
50. Schwarz, G. (1978). Estimating the dimension of a model, **Annals of Statistics**, 6(2): 461-464.
51. Stangeland, P. (1998). Other Trgets of other locations? An analysis of opportunity structures, **British Journal of Criminology**, 38(1): 61-77.
52. Stock, J. and Watson, M. (1988). Variable trends in economic time series, **Journal of Economic Perspectives**, 2(3): 147-174.
53. Terrero, L.S. (2014). Social impacts of tourism in Brazil, **Global Sustainable Tourism Review**, 1<sup>st</sup> draft report, 1-33.
54. Ojong, F. and Bassey, A.E. (2012). Impact of crime on sustainable tourism in Cross River State, Nigeria, **Research on Humanities and Social Sciences**, 2(11): 35-44.
55. Van Tran, X. and Bridges, F. (2009). Tourism and crime in European nations. **E-Review of Tourism Research**, 7(3): 52-67.
56. Walmsley, D.J., Boskovic, R.M. and Pigram, J.J.J. (1981). **Tourism and Crime**, Department of Geography, University of New England.
57. Witt, S.F. (1991). Tourism in Cyprus, balancing the benefits and costs, **Travel Management**, No. 12: 37-46.
58. World Tourism Organization. (2013). **UNWTO Annual Report 2013**, UNWTO, Madrid. All.